

Investigating the role of couples' personality characteristics in the likelihood of divorce: A discriminant analysis

Afshin Afzali *

Maryam Poorjamshidi **

Akbar Momeni rad **

Introduction

One of the most important challenges that any community faces is divorce. In Iran, as in other countries, divorce has become a social issue. The latest studies on divorce in Iran indicate its increase. The studies emphasize the undeniable role of the individual differences between the couples or the stable personality traits that each of the spouses brings to the context of marital life. The purpose of this study is to develop a divorce discriminant equation based on the characteristics of couples' personality.

Method

The present study is intended to be a practical research. It is based on a quantitative approach and is methodologically located in the category of causal-comparative research. The research population consists of couples applying for divorce and normal couples in Hamadan province in 1396. In this study, a total of 398 couples (796 people) were selected as the sample from the two groups. The research tool was HEXACO-60 Personality Inventory. The HEXACO Personality Inventory consists of 24 facet-level personality trait scales that define the six personality factors named Honesty-Humility (H), Emotionality (E), Extraversion (E), Agreeableness (A), Conscientiousness (C), and Openness to Experience (O). In order to develop a diagnostic model for the groups, the diagnostic analysis was used. Based on the findings of the study, from a total of twelve

* Assistance professor, department of educational sciences, faculty of humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran, *Corresponding Author*:
afzali.afshin@gmail.com

** Assistant professor, faculty of humanities, University of Bu Ali Sina, Hamedan, Iran.

personality traits (six characteristics in men and six characteristics in women), female emotionality, female extraversion, female agreeableness, male agreeableness, male conscientiousness and female openness to experience were necessary to distinguish between divorced and normal groups. Based on the results, female emotionality, female extraversion, female agreeableness, male agreeableness, male conscientiousness, female openness to experience in the final diagnostic equation were introduced.

Results

Based on the results obtained, the equation is as follows: $D = -4.076 + (14.14) * \text{female emotionality} + (+0.129) * \text{female extraversion} - (62.0\%) * \text{female agreeableness} - (0.57) * \text{male agreeableness} + (0.027) * \text{male conscientiousness} - (0.11) * \text{female openness to experience}$.

If this formula is used to predict, and the couple's score is negative, the probability of divorce is higher. Obviously, for couple whose score is positive, based on this formula, the probability of divorce will be less. Also, the Canonical Correlation between couples personality characteristics and divorce rate was 0.41. Based on the results, the average score for the divorced group was -0.45 and for the normal group was 0.44, the gap between these two means indicates that the equation was successful in diagnosing between the two divorced and normal groups.

Keywords: divorce, personality characteristics, couples

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۴/۱۷

دست آوردهای روان‌شناختی
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۸
دوره‌ی چهارم، سال ۲۶، شماره‌ی ۱
ص:ص: ۱۹۱-۲۱۰

بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی زوجین در تحلیل تشخیصی احتمال بروز طلاق

افشین افزالی*

مریم پورجمشیدی**

اکبر مومنی راد**

چکیده

هدف این پژوهش تدوین معادله ممیز (تشخیصی) طلاق بر اساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر رویکرد کمی و از نظر روش در دسته پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) قرار دارد. جامعه پژوهش را زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی استان همدان در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. از دو گروه در مجموع ۳۹۸ زوج (۷۹۶ نفر) به عنوان نمونه به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ۶۰ سوالی هگراکو استفاده شد. به منظور تدوین مدل ممیز (تشخیصی) برای گروه‌ها از تحلیل ممیز استفاده گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش از مجموع دوازده ویژگی شخصیتی (شش ویژگی در مردان و شش ویژگی در زنان) ویژگی‌های هیجان‌خواهی زن، برون‌گرایی زن، سازگاری زن، سازگاری مرد، وجدانی بودن مرد و گشودگی به تجربه زن توانایی لازم برای ایجاد تمایز میان دو گروه طلاق و عادی را دارا هستند. بر اساس نتایج به دست آمده، متغیرهای هیجان‌خواهی زن، برون‌گرایی زن، سازگاری زن، سازگاری مرد و وجدان‌گرایی مرد در معادله تشخیصی نهایی وارد شدند. همچنین ضریب همبستگی کانونی میان ویژگی‌های شخصیتی زوجین و طلاق ۰/۴۱۴ به دست آمد. بر اساس نتایج، میانگین نمره ممیز برای

- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان (بررسی رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی زوجین و طلاق در استان همدان) که با حمایت اداره کل بهزیستی استان همدان انجام شده است می‌باشد

* استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

afzali.afshin@ymail.com

**استادیار، دانشکده ادبیات، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

گروه طلاق ۰/۴۶۳- و برای گروه عادی ۰/۴۴۴ به دست آمد، فاصله این دو میانگین نشان می‌دهد که معادله در ایجاد تمایز و تشخیص میان دو گروه طلاق و عادی موفق بوده است.

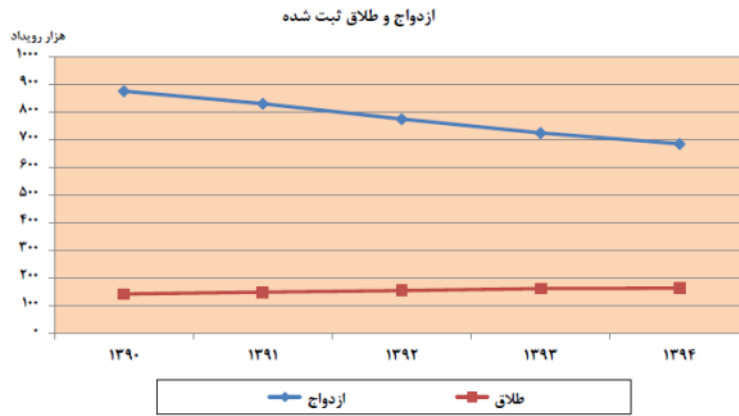
کلید واژگان: طلاق، ویژگی‌های شخصیتی، زوجین

مقدمه

یکی از مهمترین چالش‌هایی که هر جامعه‌ای همیشه با آن روبه‌رو است واقعیتی به نام طلاق است. پدیده‌ای که در جوامع امروزی با سرعت زیادی در حال افزایش است و آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی، و قانونی بر مردان و زنان مطلقه دارد (Ismailiyan, Tahmasebiyan, Dehghani & Motabi, 2016).

در ایران نیز مانند سایر کشورها پدیده طلاق به یک مساله اجتماعی تبدیل شده است. جدیدترین اطلاعات آماری ایران در مورد طلاق بیانگر افزایش آمار آن است. در سال ۱۳۸۸ آمار طلاق به یک مورد از هر سه ازدواج رسیده و از ۱۰/۳ درصد در سال ۸۷ به ۱۳/۸ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. براساس آمار رسمی در ایران از هر ۱۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می‌شود و ایران، چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (Sadrolashrafi, Khonakdaretarsi, Shamkhani & Yosefiafrashte, 2013). همان‌گونه که نمودار شماره یک نیز وضعیت ثبت طلاق و ازدواج در سال‌های ۹۰ تا ۹۴ را نمایش می‌دهد، مشخص است بر خلاف روند رو به نزول ازدواج در این سال‌ها، وضعیت طلاق سیر صعودی داشته و به ۲۰۰ هزار رویداد در سال نزدیک شده است. به‌طوری که هم‌اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد. در سال ۱۳۸۸ در ازای هر چهار ازدواج در تهران یک طلاق به وقوع پیوسته است. استان‌های مازندران، کردستان، قم، خراسان رضوی نیز در ازای هر شش ازدواج یک طلاق داشته‌اند (Meshki, Shahghasemi, Delshadnoghabi & Moslem, 2012).

اما چگونه است زوجی که روزی با عشق و تمایل فراوان با یکدیگر ازدواج کرده‌اند، در زندگی مشترک به نقطه‌ای می‌رسند که جدایی از هم را تنها علاج مشکل خود می‌یابند؟ شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی براساس موارد غیرمعقول و غیرمنطقی، از آغاز طلاق را در بطن خود دارد، به نحوی که وقوع آن از همان ابتدا قابل پیش‌بینی است، حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تداوم یابد و به انحلال خانواده منتهی نشود، مصداق اصطلاح سوختن و



ماخذ: مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور ۱۳۹۴. فصل سوم (جمعیت)

نمودار ۱. آمار ازدواج و طلاق از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

ساختن خواهد بود. از این رو شناخت علل و عوامل طلاق می‌تواند در برنامه‌ریزی جهت مشاوره‌های قبل از ازدواج و پیشگیری از طلاق به‌کار گرفته شود.

محققان با تکیه بر نظریه میان‌فردی ازدواج به نقش غیرقابل انکار تفاوت‌های فردی زن و شوهر یا ویژگی‌های شخصیتی با ثباتی که هر یک از همسران با خود به بافت زندگی زناشویی می‌آورند، تأکید کرده‌اند (Solomon & Jackson, 2014). بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی زوجین از جمله مؤثرترین عوامل در رضایت از زندگی مشترک می‌باشد که در تبیین تغییرات رضایت‌مندی زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Zaheri et al., 2016; Javanmard & Mohammadi Gharagoozloo, 2013; Golestani, Manzeri Tavakoli & Manzeri Tavakoli, 2012). شخصیت، الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار است (APA, 2017) که اسلوب شخصیت عامل با محیط فیزیکی و اجتماعی در شخص را رقم می‌زند. برای توصیف شخصیت هر کسی معمولاً به ویژگی‌های شخصی او، یعنی به صفاتی از قبیل باهوش بودن، برونگرایی و با وجدان بودن و نظایر آن اشاره می‌شود (Jovanovic et al., 2011 cited in Hosseini, Mohammadi & Joker, 2016).

برخی از مطالعاتی که در زمینه عوامل زمینه ساز طلاق صورت گرفته به این نتیجه رسیده

است که یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین ریشه‌های طلاق، ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی زوجین است (Hosseini et al., 2016; Kohi, Etemadi & Fatehi, 2015; Humbad, ,)
Donnellan, Iacono, McGue & Burt, 2010; Solomon & Jackson, 2014; Jaberl, Etemadi, Isaheri & Ahmadi, 2016) زیرا برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوجین افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ به عنوان مثال، روان‌رنجوری، نبودن «وظیفه شناسی»، حساسیت‌های بین فردی، سطوح بالای «خودشیفتگی»، پارانوئید بودن، افسردگی، اضطراب و وسواس از جمله ویژگی‌های ناسالمی است که احتمال طلاق را افزایش می‌دهد (Solomon & Jackson, 2014)؛ (Lemmens, Buysse, Heene & Eisler, 2007).

برخی متخصصان براین مطلب تأکید دارند که ویژگی‌های شخصیتی، خلقی و رفتاری از عوامل مؤثر بر آینده‌ی روابط زناشویی است و مرتبه‌ی نخست را در میان سایر عوامل دارا می‌باشد (Matysiak, Styrac & Vignoli, 2013). در گزارش‌های پژوهشی - بالینی مربوط به ازدواج و زندگی زناشویی عوامل متعددی از جمله صمیمیت، مهارت‌های ارتباطی، استقلال، ساختار شخصیتی، رضایت‌مندی جنسی، پیوند عاطفی، سیستم‌های دلبستگی، مهارت حل تعارض و عوامل اجتماعی دیگر مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (Barazandeh, 2007).
Shahmoradi (2016) در پژوهش خود تفاوت میان زوج‌های در آستانه طلاق با زوجین عادی را در ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، تجربه‌گرایی، وجدانی بودن و روان‌پریشی معنی‌دار به دست آورد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش وی متغیرهای افسردگی، افکار پارانوئیدی، تعداد فرزندان، میزان درآمد و روان‌نژندی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های طلاق بودند.

Moradi and Yosefi (2014) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین پنج عامل شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های در آستانه طلاق بین روان‌نژندی و کیفیت زندگی رابطه معکوس معنی‌دار و بین برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری رابطه مستقیم و معنی‌دار مشاهده کردند. نتایج پژوهش (Hosseini, Khalqi and Jaberl (2013) نیز نشان داد که بین ویژگی‌های توافق‌پذیری، برون‌گرایی، دلپذیر بودن و انعطاف‌پذیری با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت و معنی‌دار، و بین روان‌رنجورخویی و سازگاری زناشویی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد و ویژگی‌های باوجدان بودن، توافق‌پذیری و روان‌رنجورخویی، توان پیش‌بینی سازگاری

زناشویی را داشته‌اند. همچنین ویژگی‌های باوجدان بودن، توافق‌پذیری، روان‌رنجورخویی و سبک حل تعارض همراهانه، توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را به صورت معنی‌داری دارند. بر اساس نتایج یک فراتحلیل صفات شخصیتی شامل: خودآگاهی، روان‌نژندی و توافق بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق هستند. این مؤلفه‌ها حتی از مواردی مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی و بهره‌هوشی نیز مهم‌تر بوده‌اند. بر اساس این فراتحلیل، کمبود سطوح پایین خودآگاهی و توافق و سطوح بالای روان‌نژندی با شکست در روابط زناشویی و طلاق در ارتباط هستند (Roberts, Kuncel, Shiner, Caspi & Goldberg, 2007). (Robins (2000) در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصی زوجین بر رضایت و کیفیت روابط به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی هر یک از زوجین می‌تواند روابط آنها و همچنین بر شخصیت زوج دیگر اثر بگذارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، پژوهش‌های متعددی به بررسی عوامل و علل طلاق پرداخته‌اند که در این میان ویژگی‌های شخصیتی به عنوان عاملی که می‌تواند به شدت کیفیت روابط را تحت تأثیر قرار دهد به عنوان یک فاکتور مهم همواره مورد تأکید بوده است. از آنجا که طلاق به عنوان یک پدیده وابسته به فرهنگ به شدت تحت تأثیر بافت اجتماعی و فرهنگی است مطالعه عوامل آن در جوامع مختلف ضروری است. به همین جهت مسأله پژوهش حاضر، بررسی ارتباط این پدیده با ویژگی‌های شخصیتی شش‌گانه و تدوین یک فرمول ممیز برای پیش‌بینی این پدیده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین در استان همدان، انتخاب شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر رویکرد کمی و از نظر روش در دو دسته پژوهش‌های همبستگی و علی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) قرار دارد که در آن ضمن بررسی ویژگی‌های شخصیتی زوج‌های مطلقه و عادی، فرمول ممیز طلاق بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی زوجین ارایه گردیده است. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، واریانس و انحراف استاندارد)، تحلیل تشخیصی (تحلیل ممیز) و همبستگی کانونی، تجزیه و تحلیل شد. جامعه این پژوهش عبارت بود از همه‌ی زوجین استان همدان که تا تاریخ اجرای پژوهش طلاق گرفته‌اند یا در آستانه طلاق بودند. همچنین جامعه کنترل

پژوهش را زوجین عادی استان همدان که حداقل یک سال از سن ازدواج آنها می‌گذرد تشکیل می‌دادند. با توجه به اینکه آمار دقیقی از زوجین متقاضی طلاق در استان همدان وجود ندارد و آمارها در این زمینه متغیر و غیررسمی است، حجم نمونه بر اساس حجم نمونه پیشنهاد شده توسط جدول گرجسی - مورگان ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد (حداکثر حجم نمونه در جدول برای گروه‌های بزرگ، ۳۸۴ نفر است). نمونه پژوهش به شیوه تصادفی طبقه‌ای (به نسبت جمعیت هر شهر)، به نحوی که حدود ۵۵ درصد از نمونه‌ها در دو گروه از مرکز استان و ۴۵ درصد از شهرهای ملایر، نهاوند، کبودرآهنگ، رزن و بهار انتخاب شدند به این ترتیب که به هر یک از شهرهای استان به نسبت جمعیت و همچنین با توجه به تعداد متقاضیان طلاق در ماه در نمونه سهم داده شد که بر این اساس سهم شهر همدان ۱۰۴، ملایر ۳۷، نهاوند ۲۳ و شهرهای رزن، کبودرآهنگ و بهار هر کدام ۱۰ زوج در نظر گرفته شد. همچنین نمونه کنترل نیز مطابق با حجم نمونه اصلی از زوجین عادی به نحوی انتخاب گردید که تعداد زوجین گروه عادی در هر شهر تقریباً برابر با گروه طلاق باشد. همچنین به منظور افزایش میزان شباهت دو گروه اعضا گروه عادی به نحوی انتخاب شدند که از نظر سن زوجین و مدت ازدواج، با گروه طلاق نسبتاً مشابه باشند، که اطلاعات این دو متغیر در جدول شماره ۲ آورده شده است. با توجه به محدودیت‌های دسترسی امکان هم‌تاسازی از نظر سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، وجود نداشت.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه HEXACO-60 است. این پرسشنامه توسط Ashton et al. در سال 2004 ساخته شد. پرسشنامه مذکور، عامل‌های شخصیتی را طی شش مقیاس مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کل پرسشنامه دربرگیرنده ۶۰ سؤال است. هر مقیاس شامل ۱۰ سؤال بوده و سهم هر زیر مقیاس ۲ یا ۳ سؤال می‌باشد. پاسخ‌ها در یک مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای به صورت کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، و کاملاً موافقم قرار می‌گیرند که به هر پاسخ به ترتیب فوق، امتیازی از ۱ تا ۵ می‌تواند تخصیص یابد. بعضی از سؤالات به صورت معکوس امتیازدهی می‌شوند. مقادیر اعتبار و روایی پرسشنامه هگزاکو-۶۰ توسط اشتون و لی در حد مطلوب به دست آمده است (Ashton et al., 2004). در خصوص مدل و ویژگی‌های

نسخه‌های مختلف پرسشنامه شخصیتی مطالعاتی در ایران نیز انجام گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به (Pallahang, Neshatdost and Molavi (2009) اشاره کرد که شش عامل اول ۷۴/۵۷ درصد از کل واریانس را تبیین کردند. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه در این پژوهش از رویکرد همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب مذکور ۰/۷۵ و در حد مطلوب برآورد شد. همچنین ویژگی‌های روانسنجی این ابزار توسط (Khezri and Manavipour (2016) بررسی شد، که در آن پایایی کلی ابزار بر اساس همسانی درونی مطلوب به دست آمد. همچنین روایی سازه آن نیز به روش تجزیه و تحلیل اجزاء اصلی و چرخش واریماکس بررسی شد که نتایج نشان داد پرسشنامه از ۱۶ عوامل اشباع شده بود که با هم ۵۹/۱۶۱ درصد از واریانس را تبیین کرد. پس از اجرای تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول هفت عامل، با نام‌های تهییج‌پذیری، خود کم‌بینی، برون‌گرایی، صداقت و فروتنی، سازگاری، وظیفه‌شناسی، و گشودگی نسبت به تجربه تأیید شد. همچنین در پژوهش Karimi and Minaei (2017) نیز نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که شش عامل قابل استخراج است، که با ۲۴ رویه‌ی که توسط Ashton et al. پیشنهاد کرده است سازگار بود. همچنین بررسی تحلیل تأییدی در این پژوهش نشان داد که مدل شش عاملی شخصیت هگزاکو از برازش قابل قبولی برخوردار است. همبستگی بین پنج عامل اصلی شخصیت توسط پرسشنامه نئو اندازه‌گیری شده بود با پرسشنامه شخصیت هگزاکو بین ۰/۴۳ تا ۰/۷۳ به دست آمده که در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی‌دار است. بررسی پایایی پرسشنامه با دو روش مدل گاتمن و آلفایی کرونباخ مقادیر بین ۰/۶۲ تا ۰/۷۴ به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است و همچنین نتایج حاصل از باز آزمایی در محدوده ۰/۵۹ تا ۰/۸۱ نیز در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار گزارش شده است. از کل یافته‌های پژوهش حاضر چنین نتیجه‌گیری می‌شود که پرسشنامه هگزاکو-۱۰ از اعتبار و روایی قابل قبول برخوردار است.

روش اجرا

به منظور جمع‌آوری داده‌ها در گروه اصلی پژوهش پس از اخذ معرفی‌نامه و مجوزهای لازم از بهزیستی و دادگستری، کارشناسان آموزش دیده در مراکز مشاوره بهزیستی مستقر در دادگاه‌های خانواده، در کنار کارشناسان بهزیستی حاضر شدند. در هنگام مراجعه زوجین برای

طلاق پس از ارایه توضیحات لازم و جلب رضایت، پرسشنامه مربوطه در اختیار هر دو زوج قرار گرفت و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده‌های هر زوج در نرم افزار وارد شد. برای گروه گواه نیز زوجینی از اقشار، سنین و طبقات اقتصادی-اجتماعی مختلف انتخاب شدند (که توضیحات آن در بخش نمونه‌گیری ارایه شده است) و پس از جلب رضایت آنها پرسشنامه مربوطه در اختیار هر زوج قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها داده‌های هر زوج در نرم افزار وارد شد.

یافته‌ها

Table 1.

City of residence in two groups of normal and divorced groups

		Situation		Total
		Divorced	Normal	
Hamedan	Frequency	104	109	213
	Percent	53/6	55/4	54/5
Malayer	Frequency	37	34	71
	Percent	19/1	17/3	18/2
Razan	Frequency	10	9	19
	Percent	5/2	4/6	4/9
Kaboodarahang	Frequency	10	9	19
	Percent	5/2	4/6	4/9
Bahar	Frequency	10	10	20
	Percent	5/2	5/1	5/1
Nahavand	Frequency	23	26	49
	Percent	11/9	13/2	12/5
Total	Frequency	194	197	391
	Percent	100	100	100

جدول فوق اطلاعات مربوط به شهر محل سکونت دو گروه نمونه عادی و طلاق را نمایش می‌دهد. در مجموع ۳۹۱ زوج (۷۸۲ نفر) انتخاب شده‌اند، که اطلاعات آنها در جدول مشخص است.

بر اساس اطلاعات اعلام شده توسط گروه نمونه در گروه طلاق میانگین مدت ازدواج ۸/۲۸ سال و در گروه عادی ۱۱/۳۲ سال بوده و در گروه طلاق میانگین سن زنان ۲۹/۸۳ سال و میانگین سن زنان در گروه عادی ۳۳/۴۴ سال بوده است. همچنین در گروه طلاق میانگین سن مردان ۳۴/۷۸ سال و در گروه عادی میانگین سن مردان ۳۸/۳۸ سال بوده است.

تحلیل ممیز

با توجه به ماهیت دو ارزشی متغیر ملاک (طلاق) در این پژوهش و همچنین پیوسته بودن متغیرهای پیش بین، تحلیل ممیز با هدف تدوین معادله‌ای که بتواند بیشترین تمایز را میان دو گروه ایجاد نماید استفاده گردید، که نتایج این تحلیل در این بخش ارایه می‌گردد.

Table 2.

The Wilks' Lambda Test for the Role of Variables in the Discriminant

	Wilks' Lambda	F	Df1	Df2	Sig
F Honesty-Humility	1	0/126	1	366	0/723
M Honesty-Humility	0/995	1/828	1	366	0/177
F Emotionality	0/935	25/405	1	366	0/000
M Emotionality	0/996	1/447	1	366	0/230
F Extraversion	0/985	5/637	1	366	0/018
M Extraversion	0/991	3/161	1	366	0/076
F Agreeableness	0/997	0/979	1	366	0/323
M Agreeableness	0/991	3/340	1	366	0/068
F Conscientiousness	0/999	0/471	1	366	0/493
M Conscientiousness	0/987	4/709	1	366	0/031
F Openness to Experience	0/977	8/457	1	366	0/004
M Openness to Experience	0/998	0/814	1	366	0/368

جدول ۲ آزمون برابری میانگین مؤلفه‌های شخصیتی زنان و مردان در گروه‌ها را بر اساس آماره لامبدای ویلکز نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول دو گروه مؤلفه‌های هیجان-خواهی زنان و گشودگی به تجربه زنان در سطح آلفای یک درصد در برون‌گرایی زنان و وجدانی بودن مردان در سطح آلفای پنج درصد تفاوت معنی‌دار دارد. همچنین بر اساس شاخص لامبدای ویلکز نیز هیجان‌خواهی زنان و برون‌گرایی زنان بیشترین اثر را در متمایز نمودن گروه‌ها داشته‌اند (هر چه شاخص کوچکتر باشد نقش در تمایز بیشتر است).

جدول ۳، متغیرهای وارد شده در معادله نهایی تمایز بر اساس روش گام به گام بر اساس تغییرات ایجاد شده در لامبدای ویلکز را نشان می‌دهد. بر این اساس متغیرهای هیجان‌خواهی زنان، گشودگی به تجربه زنان، برون‌گرایی زنان، سازگاری زنان، وجدانی بودن مردان و سازگاری مردان، پس از ورود تغییرات معنی‌داری را در مقدار شاخص ایجاد نموده‌اند و می‌توانند در معادله نهایی باقی بمانند.

Table 3.
Variables entered into the final Discriminant equation

Step	Entered	Wilks' Lambda				Sig
		Static	Df1	Df2	Df3	
1	F Emotionality	0/935	1	1	366	0/000
2	F Openness to Experience	0/911	2	1	366	0/000
3	F Extraversion	0/876	3	1	366	0/000
4	F Agreeableness	0/860	4	1	366	0/000
5	M Conscientiousness	0/846	5	1	366	0/000
6	M Agreeableness	0/829	6	1	366	0/000

Table 4.
Lambda value for step-by-step Discriminant equations

Step	Tolerance	F to remove	Wilks' Lambda
1 F Emotionality	1	25/405	
2 F Emotionality	0/997	26/404	0/977
F Openness to Experience	0/997	9/456	0/935
3 F Emotionality	0/987	29/275	0/947
F Openness to Experience	0/891	17/048	0/917
F Extraversion	0/888	14/685	0/911
4 F Emotionality	0/956	33/463	0/939
F Openness to Experience	0/891	16/746	0/899
F Extraversion	0/799	20/002	0/907
F Agreeableness	0/871	6/992	0/876
5 F Emotionality	0/954	34/169	0/926
F Openness to Experience	0/884	18/140	0/889
F Extraversion	0/798	18/509	0/890
F Agreeableness	0/871	6/981	0/863
M Conscientiousness	0/983	5/658	0/860
6 F Emotionality	0/952	34/928	0/909
F Openness to Experience	0/883	18/702	0/872
F Extraversion	0/779	21/595	0/878
F Agreeableness	0/871	7/089	0/845
M Conscientiousness	0/956	7/746	0/846
M Agreeableness	0/946	7/713	0/846

جدول فوق مقدار لامبدا را برای شش معادله پیشنهادی بر اساس روش گام به گام نشان می‌دهد. در تحلیل ممیز گام به گام هر متغیر به صورت جداگانه وارد تحلیل می‌شود و نقش آن

در بهبود قدرت تشخیص بررسی می‌گردد که تأثیر متغیر در کاهشی که در مقدار لامبدای ویلیکز ایجاد می‌نماید مشهود است. هماهنگونه که مشخص است ورود همزمان شش متغیر، تغییرات قابل توجهی را در مقدار آماره لامبدا نشان می‌دهد. به همین جهت معادله نهایی بر اساس شش متغیر به عنوان فرمول بهینه انتخاب می‌گردد.

Table 5.

Canonical Correlation between independent and dependent variables and Eigenvalue value

Canonical Correlation	% of Variance	Eigenvalue value
0/414	100	0/207 ^a

جدول ۵ همبستگی کانونی میان متغیرهای مستقل و وابسته و مقدار ارزش ویژه را نشان می‌دهد که بر این اساس همبستگی کانونی برابر با ۰/۴۳۱ و مقدار ارزش ویژه برابر با ۰/۲۲۸ است که حاکی از تبیین بالای فرمول پیش بینی است. بر اساس نتایج جدول هم مقدار لامبدای ویلیکز و هم مقدار آماره‌ی خی دو در سطح $\alpha = 0.1$ معنی‌دار است که بیانگر تمایز معنی‌دار میان دو گروه بر اساس فرمول است.

Table 6.

Canonical Discriminant Function Coefficients

Dimensions	coefficient
	1
F Emotionality	0/140
F Extraversion	0/129
F Agreeableness	-0/062
M Agreeableness	-0/057
M Conscientiousness	0/072
F Openness to Experience	-0/114
constant	-4/076

جدول ۶ ضرایب غیراستاندارد برای مؤلفه‌های شخصیتی را ارائه می‌دهد که بر اساس آنها فرمول نهایی تمایز میان دو گروه طلاق و عادی به صورت زیر است:

$$D = -4/076 + (0/14 * \text{زن} * \text{هیجان خواهی زن}) + (0/129 * \text{زن} * \text{برونگرایی زن}) - (0/62 * \text{زن} * \text{سازگاری زن}) - (0/114 * \text{زن} * \text{تجربه زن}) - (0/072 * \text{مرد} * \text{وجدانی بودن مرد}) + (0/057 * \text{مرد} * \text{سازگاری مرد})$$

با توجه به نتایج جدول ۷ میانگین نمره ممیز برای گروه طلاق ۰/۴۶۳- و برای گروه عادی ۰/۴۴۴+ است، هر چه این دو میانگین فاصله بیشتری داشته باشند، معادله در ایجاد تمایز و

Table 7.
Mean of discriminant score

Group	Discriminant score
Divorced	-0/463
Normal	0/444

Table 8.
Results of the main classification and analysis of cross-sectional validity

	Group	Predicted Group Membership		Total	
		Divorced	Normal		
Original	Count	Divorced	124	57	181
		Normal	65	123	188
	%	Divorced	68.5	31.5	100.0
		Normal	34.6	65.4	100.0
Cross-validated	Count	Divorced	123	58	181
		Normal	68	120	188
	%	Divorced	68.0	32.0	100.0
		Normal	36.2	63.8	100.0

تشخیص میان دو گروه طلاق و عادی موفق‌تر است.

جدول شماره ۸ نتایج طبقه‌بندی اصلی و همچنین تحلیل مقطعی اعتبار را ارائه می‌دهد، بر اساس نتایج مندرج در جدول ۸، ۶۶/۹ درصد از زوجین دو گروه در گروه اصلی و ۶۵/۹ در از زوجین در بررسی مقطعی اعتبار به درستی طبقه‌بندی شده‌اند که بیانگر عملکرد مناسب فرمول پیش‌بینی در تمایز و طبقه‌بندی زوجین در دو گروه عادی و طلاق است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی زوجین طلاق در استان همدان انجام گردید. طرح پژوهش علی-مقایسه‌ای بود و جامعه پژوهش نیز شامل زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی استان همدان بود. در مجموع ۴۰۰ زوج (۸۰۰ نفر) به عنوان نمونه انتخاب گردیدند که پس از پالایش پرسشنامه‌ها، ۳۹۱ زوج (۱۹۴ زوج طلاق و ۱۹۷ زوج عادی) به عنوان نمونه انتخاب شدند که نمونه به نسبت ۲۱۳ زوج در شهر همدان (به عنوان مرکز استان)، ۷۱ زوج در شهر ملایر، ۵۱ زوج در شهر نهاوند، ۱۹ زوج در شهر رزن، ۱۹ زوج در شهر کبودرآهنگ، و ۲۰ زوج در شهر بهار انتخاب گردید. از پرسشنامه هگزاکو (۲۰۰۴) برای

جمع‌آوری اطلاعات در دو گروه استفاده گردید. میانگین و انحراف استاندارد مدت ازدواج در گروه طلاق ۸,۲۸ سال و ۸,۲۹۳ و در گروه عادی ۱۱,۳۲ سال و ۸,۳۹۶ بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد سن زنان دو گروه به ترتیب ۲۹,۸۳ سال و ۹,۶۱۹ و ۳۳,۴۴ و ۸,۷۳۳ و میانگین و انحراف استاندارد سن مردان دو گروه به ترتیب ۳۴,۷۸ و ۹,۰۷۱ و ۳۸,۳۸ و ۹,۱۵۷ بود. به منظور تدوین مدل تمایز میان زوجین طلاق و عادی از تحلیل ممیز به روش گام به گام استفاده گردید. براساس نتایج به دست آمده از این مدل متغیرهای هیجان‌خواهی زنان، گشودگی به تجربه زنان، برون‌گرایی زنان، سازگاری زنان، وظیفه‌شناسی مردان و سازگاری مردان متغیرهایی هستند که امکان پیش‌بینی و تمایز طلاق را دارا می‌باشند. شش معادله از ترکیب‌های متفاوت این شش متغیر توسط تحلیل پیشنهاد شد که با توجه به تغییرات ایجاد شده در آماره لامبدای ویلکز، مدل شامل هر شش متغیر به عنوان مدل نهایی انتخاب گردید.

براساس نتایج همبستگی کانونی، این مدل دارای ارتباط کانونی ۰/۴۳۱ با متغیر مستقل (طلاق) است و مقدار ارزش ویژه آن ۰/۲۲۸ است که حاکی از تبیین مناسب مدل و توانایی تمایز میان دو گروه طلاق و عادی است. براساس ضرایب ساختاری به دست آمده متغیرهای هیجان‌خواهی زنان، برون‌گرایی زنان و وظیفه‌شناسی مردان دارای ساختار هماهنگ و مثبت و گشودگی به تجربه زنان، سازگاری مردان و سازگاری زنان تمیز دارای ساختار مشابه هماهنگ و منفی هستند. در نهایت براساس ضرایب غیراستاندارد به دست آمده از تحلیل ممیز معادله تمیز میان طلاق و عدم طلاق در زوجین را می‌توان به صورت فرمول ذیل تدوین نمود.

$$D = -4/076 + (0/14 * \text{هیجان خواهی زن}) + (0/129 * \text{برونگرایی زن}) - (0/62 * \text{سازگاری زن}) - (0/114 * \text{تجربه زن}) - (0/072 * \text{وجدانی بودن مرد}) + (0/57 * \text{سازگاری مرد})$$

در صورت استفاده از این فرمول برای پیش‌بینی زوجین عادی اگر نمره ممیز زوجی از این فرمول منفی باشد، احتمال طلاق آن‌ها بیشتر است. هرچه این عدد منفی‌تر باشد احتمال طلاق بالاتر می‌رود. بدیهی است که برای زوجینی که نمره ممیز آن‌ها براساس این فرمول مثبت می‌شود، احتمال بروز طلاق کمتر خواهد بود. با توجه به این فرمول نقطه برش احتمال بروز طلاق نمره ممیز صفر است. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش Rashidi, Karami, Naghshine and Sharifi (2019) ناهماهنگ و با پژوهش‌های Mollazadeh (1994), Moradi and Yosefi (2014), Hosseini et al. (2014), Karney and Bardbury (2012), Ronins (2000) که در

آن‌ها ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و طلاق تأکید شده بود، همسو است. همچنین با پژوهش Shouli and Rezaeifar (2011) که ناهماهنگی میان ویژگی‌های شخصیتی را یکی از عوامل طلاق معرفی نموده بود، هماهنگ است. دلایل وجود ناهماهنگی در نتایج این پژوهش با پژوهش‌های مشابه را می‌توان در تفاوت در جوامع پژوهش، تفاوت در ابزار یا خطا جستجو نمود که به هر طریق نتایج پژوهش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

طلاق یک مسأله پیچیده و چند بعدی است که از مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی و حتی اقتصادی تأثیر می‌پذیرد، به هر حال بر اساس نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه، توجه به ویژگی‌های شخصیتی هر یک از زوجین در هنگام انتخاب همسر می‌تواند تأثیر قابل توجهی در کاهش احتمال خطر بروز پدیده طلاق به عنوان یک معضل و مسأله اجتماعی که می‌تواند خود زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌های بسیاری در جامعه گردد، داشته باشد. بدیهی است که شخصیت دارای ابعاد پیچیده‌ای است که در ارتباطات معمول و در کوتاه مدت قابل شناسایی توسط افراد عادی نیست، و برای بررسی آن مشورت با متخصصین این حوزه و استفاده از ابزارهای استاندارد و قابل اطمینانی که در این زمینه وجود دارد ضروری به نظر می‌رسد. روان‌شناسان می‌توانند با تدوین نیم‌رخ شخصیتی هر یک از زوجین و انطباق این نیم‌رخ‌ها پیشنهادهای مفید و کاربردی برای متقاضیان ازدواج داشته باشند.

نکته قابل توجه در نتایج این پژوهش، تعدد ویژگی‌های شخصیتی زنان در معادله نهایی تمیز است (چهار ویژگی زن در مقابل دو ویژگی مرد) و همچنین ضریب بالاتر این ویژگی‌ها در معادله است. این یافته می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش‌های آتی در ارتباط با نقش زنان در بروز پدیده طلاق باشد، چرا که براساس نتایج پژوهش حاضر ویژگی‌های شخصیتی مردان توانایی کمتری در پیش‌بینی پدیده طلاق در خانواده دارد. که این امر می‌تواند ناشی از ویژگی‌های ذاتی یا نقش زنان در خانواده باشد، حصول این نتیجه توجه ویژه به ارائه خدمات روان‌شناختی و آموزش مهارت‌ها برای زنان در خانواده‌های در معرض طلاق و حتی عادی را متذکر می‌شود.

هرچند در پژوهش حاضر سعی شد، دو گروه حتی المقذور مشابه باشند، اما وجود تفاوت‌های جمعیت‌شناختی در دو گروه یکی از محدودیت‌های پژوهش است. همچنین عدم همکاری

مسئولین در یکی از شهرهای استان، باعث شد امکان انتخاب نمونه از آن شهر در نمونه طلاق و به تبع آن گروه عادی وجود نداشته باشد.

بر اساس یافته‌ها پیشنهادات زیر برای کاربرست نتایج این پژوهش ارائه می‌گردد: الزام به بهره‌گیری از خدمات روان‌شناختی و روان‌سنجی افراد متقاضی ازدواج به ویژه در ارتباط با تدوین نیم‌رخ شخصیتی، استفاده از فرمول ممیز این پژوهش برای محاسبه احتمال بروز طلاق در زوجین، الزام به شرکت در کلاس‌های مشاوره و آموزش زوجین متقاضی طلاق به ویژه در زوجین دارای ریسک بالا، اطلاع‌رسانی به عموم مردم در مورد اهمیت همسان‌گزینی در امر ازدواج.

Reference

- Ashton, M. C., Lee, K., Perugini, M., Szarot, P., Devries, R. E., Di Blas, L., Bors, K., & De Read, B. (2004). A Six-Factor structure of personality descriptive adjective: Solutions from psycho lexical studies in seven languages. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 356-366.

- Barazandeh, H. (2007). Relationship of criteria with marital adjustment. *Iranian Journal of Psychologists*, 2(8), 319-330. [Persian]
- Boertien, D. & Mortelmans, D. (2018). Does the relationship between personality and divorce change over time? A cross-country comparison of marriage cohorts. *Journal of Acta Sociologica*, 61(3), 300-316.
- Golestani, E., Manzeri Tavakoli, A., & Manzeri Tavakoli, H. (2012). Relationship of personality traits with marital satisfaction in women. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 2(5), 189-216.
- Hosseini, Z., Khalqi, Z., & Jaber, S. (2013). Comparison of personality traits of contradictory and normal couples using the Neo 5 Factor Personality Questionnaire. *Journal of Legal Medicine*, 19(4), 165-174. [Persian]
- Hosseini, F., Mohammadi, M., & Joker, M. (2016). Investigation of marital intimacy in middle age, the role of couple personality traits. *Journal of Cultural-Educational Women and Family*, 9(3), 25-40. [Persian]
- Humbad, M. N., Donnellan, B., Iacono, W. G., McGue, M., & Burt S. A. (2010). Is spousal similarity for personality a matter of convergence or selection? *Journal of Personality and Individual Differences*, 49(7), 827-830.
- Ismailiyan, Z., Tahmasebiyan, K., Dehghani, M., & Motabi, F. (2016). The effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on emotional adjustment, attention, and acceptance in divorce children. *Journal of Psychological Achievements*, 1(2), 45-66. [Persian]
- Jaber, S., Etemadi, A., Isaheri, A. R., & Ahmadi, S. A. (2016) *A study on the relationship between individual factors and marital intimacy*. Tehran, First International Conference on Psychology and Behavioral Sciences. [Persian]
- Javanmard, G. H., & Mohamaddi Gharagoozloo, R. (2013). The study of relationship between marital satisfaction and personality characteristics in Iranian families. *Journal of Procedia- social and behavioral sciences*, 84(9), 396-409. [Persian]
- Karimi, H., & Minaei, A. (2017). Psychometric properties and factor structure of HEXACO personality inventory and comparison the relation with five main factors of personality between woman and man students in Tehran. *Psychometry Quarterly*, 6(22), 43-58. [Persian]
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method and research. *Psychological Bulletin*, 81, 3-34.
- Khezri, S., & Manavinour, D. (2016). Psychometric properties of HEXACO personality Inventory among students. *Shefaye Khatam*, 4(4), 50-60. [Persian]
- Kohi, S., Etemadi, O., & Fateh, M. (2015). Investigating the relationship between personality characteristics and mental health with marital

- frustration in couples. *Journal of Research in Psychology*, 1, 71-84. [Persian]
- Lemmens, G. M. D., Buysse, A., Heene, E., & Eisler, I. (2007). Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. *Journal of National Library of Medicine*, 19(2), 109-117.
- Melazadeh, J. (1994). *Investigation of personality traits in relation to marital tension factors in divorced and compatible couples*. (Unpublished master's thesis), Tarbiat Modarres University, Iran. Tehran. [Persian]
- Matysiak, A., Styrac, M., & Vignoli, D. (2013). The changing educational gradient in marital disruption: A meta-analysis of European research findings. *Population Studies*, 68(2), 197-215.
- Meshki, M., Shahghasemi, Z., Delshadnoghi, A., & Moslem, A. (2011). The survey of condition and related factors to divorce from divorced couples' viewpoint of Gonabad City in 1387-88. *Journal of Horizon of knowledge*, 17(1), 35-44. [Persian]
- Moradi, O., & Yousefi, N. (2014) A survey between five factors of personality and quality of life in couples on the verge of divorce. *Journal of Personalities and personalities*, 2(3), 121-137.
- Noftle, E. E., & Shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the Big Five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40(2), 179-208.
- Pallahang, H., Neshatdost, H. T., & Molavi, H. (2009). Standardization of 6-factor HEXACO-PI-R Personality Questionnaire in Iranian Students. *Journal of New Psychological Research*, 4(16), 43-61.
- Rashidi, A., Karami, J., Naghshine, T., & Sharifi, K. (2019). The role of personality dimensions and marital expectations as predictor of Islamic marital satisfaction. *Journal of frooyesh*, 7(10), 199-212. [Persian]
- Roberts, B. W., Kuncel, N. R., Shiner, R., Caspi, A., & Goldberg, L. R. (2007). The power of personality: The comparative validity of personality traits, socio-economic status, and cognitive ability for predicting important life outcomes. *Perspectives on Psychological Science*, 2, 313-345.
- Robins, R. W., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2000). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79(2), 251-259.
- Sadrolashrafi, M., Khonakdaretaresi, M., Shamkhani, A., & Yosefiafrashte, M. (2013). Pathology of divorce (causes and factors) and prevention strategies. *Journal of Engineering Magazine*, 7(73-74), 26-27. [Persian]
- Shahmoradi, S (2016). Divorce prediction based on personality traits, psychological disorders and demographic characteristics, *Journal of Women and Family*, 11(35), 61-80. [Persian]

- Shouli, K., & Rezaeifar, S. (2011). Study of causes of incompatibility and divorce in families of Izeh city. *Journal of Cultural Community Studies*, 1(2), 113-138. [Persian]
- Solomon, B. C., & Jackson, J. J. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 106(6), 978-996.
- Zaheri, F., Dolatian, M., Shariati, M., Simbar, M., Ebadi, A., & Azghadi, S. B. (2016). Effective factors in marital satisfaction in perspective of Iranian women and men: A systematic review. *Electronic physician*, 8(12), 3369-3377. [Persian]

